

An Analysis of the Possibility of Applying the Provisions of the Rescue and Return Agreement to Space Tourists

E. Aminzadeh^{1*} and Y. Allagheband Hosseini²

1. Department of Law and Political Science, University of Tehran

2. Researcher at the Vice Chancellory in Charge of Research, University of Tehran

*Enghelab, St., Tehran, IRAN

eaminzadeh@ut.ac.ir

Astronauts, as envoys of mankind in outer space, are always faced with innumerable perils. Thus, their rescue and return has always been in the forefront of Humankind's endeavours to regulate outer Space activities. Outer Space Treaty as lex generalis and The rescue and return Agreement as lex specialis are both relevant in this regard. Although there has never been an opportunity to put their provisions on this matter into test, no one can deny the magnitude of the duty to rescue and return in developing mankind's activities in outer space and its harmonizing effect on international co-operation. However scientific and technological advancement of the last decade coupled with the ever increasing possibility of space tourism endeavours in outer space has caused new debates concerning the possibility of applying the provisions of the rescue and return agreement to space tourists. This article is an attempt to find an answer to this question.

Keywords: Astronauts, Outer space law, Space Tourism, Outer space treaty, Return and rescue agreement

1. Associate Professor (Corresponding Author)
2. Ph.D Candidate

بررسی امکان تسری ترتیبات موافقت‌نامه امداد و نجات فضانوردان به گردشگران فضایی

الهام امین‌زاده^{۱*} و یونس علاقه‌بند حسینی^۲

۱- گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

۲- همکار علمی معاونت پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

* تهران، خ. انقلاب

eaminzadeh@ut.ac.ir

فضانوردان به عنوان فرستادگان بشریت در فضای ماورای جو همواره در معرض تهدیدهای گوناگون قرار دارند. از همین رو تکلیف به امداد و نجات فضانوردان و بازگرداندن آنان از همان ابتدای تلاش برای قاعده‌مند کردن استفاده انسان از فضای ماورای جو مورد توجه قرار گرفت و در معاهده فضای ماورای جو به طور کلی و در موافقت‌نامه امداد و نجات به طور خاص به آن پرداخته شد. با وجود اینکه تا کنون مجالی عملی برای آزمودن ترتیبات مندرج در این اسناد دست نداده است، اما به هر روی نمی‌توان اهمیت تعهد به نجات و بازگرداندن فضانوردان را به عنوان اهرمی اطمینان‌بخش در بسط و گسترش فعالیت‌های بشر در فضای ماورای جو نادیده انگاشت. در این میان گسترش روزافزون فعالیت‌های تجاری در فضای ماورای جو و جدی‌تر شدن حضور گردشگران فضایی، بحث قابلیت تسری مقررات موجود در موافقت‌نامه‌های امداد و نجات به گردشگران فضایی را صورت جدی مطرح نموده است که در این مقاله به بررسی زوایای گوناگون آن خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: حقوق بین‌الملل فضا، فضانورد، گردشگری فضایی، معاهده فضای ماورای جو، موافقت‌نامه امداد و نجات

مقدمه و تقسیم بحث

به عقیده برخی حقوقدانان، با توجه به پیشرفت‌های روزافزون فناوری‌های فضایی و گسترش حضور بشر در فضای ماورای جو و اجرام آسمانی و همین‌طور خصوصاً شدن بیش از پیش فعالیت‌های فضایی، بحث نجات و بازگرداندن فضانوردان و اشیای فضایی به زمین و در کنار آن تعمیر و بازراه‌اندازی ماهواره‌های در مدار به مهم‌ترین مسئله در زمینه فعالیت‌های فضایی بدل خواهد شد [۱].

جالب توجه آنکه بحث نجات و بازگرداندن فضانوردان و اشیای فضایی تنها در حیطه نظری مطرح نبوده است و تاکنون

چندین عملیات تعمیر و نجات ماهواره با موفقیت در مدار زمین انجام گرفته است. به عنوان مثال، ناسا در دهه ۸۰ میلادی نخستین عملیات‌ها از این نوع را با موفقیت به انجام رساند [۲] و هر چند عملیات نجات سرنشینان فضاپیماهای آپولو ۱۳ توسط ایستگاه‌های مستقر در زمین هدایت می‌شد، اما به هر حال هدف نهایی مأموریت، نجات جان سرنشینان فضاپیما بود که در فضای ماورای جو گرفتار شده بودند.

اهمیت تأمین امنیت جانی فضانوردان و تضمین بازگشت آنان به کره زمین از همان ابتدای تدوین اسناد حقوق بین‌الملل فضا مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت و مقوله «نجات و بازگرداندن فضانوردان و اشیای فضایی» هنگام تهیه معاهده فضای ماورای جو به سال ۱۹۶۷ به عنوان یک اصل شناسایی و در ماده ۵ آن سند به

۱. دانشیار (نویسنده مخاطب)

۲. دانشجوی دکتری

گفتار نخست: فضانورد کیست؟

واژه «فضانورد» به کار رفته در اسناد حقوق بین‌الملل فضا در ابتدا بی‌نیاز از توضیح و تأویل به نظر می‌آید. همه می‌دانند که فضانورد کیست و تا آنجا که به علم حقوق مربوط می‌شود، ممکن است این طور به نظر آید که به دلیل همین وضوح معنایی و با اتکاء به آن اصل تفسیری که «آنچه نیاز به تفسیر ندارد، نباید تفسیر شود»^۳، پرداختن و توضیح دادن در مورد این واژه، عملی لغو و بیهوده باشد و باید به معنای «معمول» مستفاد از این واژه بسنده کرد.^۴

اما «معنای معمول مستفاد» از واژه فضانورد چیست؟ بی‌گمان فردی را که ملبس به لباس مناسب برای فضاییابی است و به طور مثال به عنوان مأمور از سوی آژانس فضایی اروپایی، بر عرشه ایستگاه فضایی بین‌المللی در حال تعمیر یکی از تلسکوپ‌های تعبیه شده در ایستگاه است باید «فضانورد» به شمار آورد، اما آیا اطلاق این واژه بر یک «گردشگر» که تصمیم دارد مراسم ازدواج خود را در فضای ماورای جو برگزار کند مصداقی برای استفاده از واژه «فضانورد» در معنای «معمول» خود است؟ عده‌ای از نویسندگان این ناکارآمدی واژگان به کار رفته در موافقت‌نامه امداد و نجات را حاصل تغییرات عمیق صورت گرفته در فعالیت‌های فضایی از زمان تهیه و تنظیم آن می‌دانند [۳]. البته به طور کلی می‌توان قائل به این مطلب شد که پاسخ به سؤال مطرح شده در ابتدای این گفتار آن است که تعریف واژه فضانورد از جمله موارد سهل و ممتنع در حقوق بین‌الملل فضا است. بی‌گمان همین وضوح ظاهری کلمه «فضانورد» است که باعث شده است نه در حقوق بین‌الملل و نه در حقوق داخلی کشورها تعریف جامع و مانعی از آن دیده نشود و گاهی وی را «فرد حاضر در یک سفینه فضایی که به خاطر وضعیت خاصی که دارد مستحق حمایت حقوقی و انسان‌دوستانه است» بدانند [۴]، زمانی نیز اشاره به

اختصار به آن پرداخته شد. اما این اصل آنچنان جایگاه ویژه‌ای در نظام حقوقی فضا دارد که بر مبنای آن و تنها یک سال پس از معاهده فضای ماورای جو، معاهده دیگری با عنوان «موافقت‌نامه راجع به نجات فضانوردان، بازگرداندن فضانوردان و بازگرداندن اشیای پرتاب‌شده به فضای ماورای جو» - زین پس موافقت‌نامه امداد و نجات - با ۱۱۵ رأی موافق و بدون رأی مخالف در ۱۹ دسامبر ۱۹۶۷ به تصویب مجمع عمومی رسید، و در ۲۲ آوریل ۱۹۶۸ برای امضا مفتوح و در ۳ دسامبر ۱۹۶۸ لازم‌الاجرا شد.

موافقت‌نامه امداد و نجات میان دو نوع تعهد دولت‌های عضو قائل به تفکیک است: نوع اول، تعهداتی است که اعضا در برابر سرنشینان یک سفینه فضایی بر عهده دارند که در مواد ۱ تا ۴ موافقت‌نامه مورد بررسی قرار گرفته است و نوع دوم، تعهدات اعضا در رابطه با یک شیء فضایی است که موضوع ماده ۵ موافقت‌نامه امداد و نجات است.

اما صرف‌نظر از مقررات موجود در موافقت‌نامه امداد و نجات در رابطه با کمک‌رسانی به فضانوردان در معرض خطر، پیشرفت روزافزون فناوری فضایی، تجاری‌سازی گسترده فضای ماورای جو و امکان مسافرت آسان‌تر گردشگران فضایی به پهنه بیکران فضا، موافقت‌نامه امداد و نجات را با یک سؤال مهم و جدی روبه‌رو کرده است و آن اینکه آیا می‌توان ترتیبات موجود در موافقت‌نامه را به گردشگران فضایی نیز تسری داد و در صورت بروز سانحه با توسل به مقررات موجود در این سند به یاری آنان شتافت؟ این مسئله از آن رو با چالش مواجه است که در متن موافقت‌نامه هیچ اشاره‌ای به بحث گردشگری فضایی نشده است. به نظر برخی همین مسئله امکان برداشت موسع از ترتیبات موافقت‌نامه را با مشکل روبه‌رو می‌کند اما گروهی دیگر از نویسندگان بر این باورند که با تفسیری غایت‌گرایانه از موافقت‌نامه امداد و نجات می‌توان گردشگران فضایی را نیز در دایره شمول افراد ذینفع از موافقت‌نامه به حساب آورد. خصوصاً اینکه در متن موافقت‌نامه هیچ تعریف حصری از مفهوم فضانورد وجود ندارد. یافتن پاسخ به این سؤال دست‌مایه نویسندگان این پژوهش است.

مطالب در چهار گفتار سامان یافته‌اند. در گفتار نخست به شناسایی فضانوردان به عنوان منتفعان اصلی از تعهدات مندرج در موافقت‌نامه امداد و نجات خواهیم پرداخت و در دو گفتار بعدی با موافقت‌نامه امداد و نجات به شکل کامل‌تری آشنا خواهیم شد تا زمینه و شناخت کافی برای بررسی امکان تطبیق مقررات موجود در آن با مقوله گردشگری فضایی فراهم آید. در گفتار پایانی نیز امکان تسری ترتیبات موافقت‌نامه امداد و نجات به گردشگران فضایی را بررسی خواهیم کرد.

۳. بر اساس این اصل، که در زبان انگلیسی با عنوان "Plain Meaning Rule" شناخته می‌شود، هنگامی که معنای مقرر به مفهوم واژه‌های روشن است، تفسیر آن لازم نیست. مقرره‌ای روشن است که «به کلمات غیرمبهم نوشته شده باشد.» کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات نیز در ماده ۳۱ خود به این اصل اشاره دارد:

«یک معاهده [...] منطبق با معنای معمولی که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد.»

۴. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظر مشورتی سال ۱۹۵۰ خود در رابطه با صلاحیت مجمع عمومی سازمان ملل برای پذیرش یک دولت در سازمان ملل، به این مسئله پرداخته است:

«زمانی که دیوان می‌تواند با استفاده از معنای معمول و متداول الفاظ موجود در مواد یک معاهده به مقررات آن ترتیب اثر دهد، نیازی به جستجوی بیشتر برای بار کردن معنایی دیگر بر الفاظ [به کار رفته در معاهده] جهت تفسیر نمی‌بیند.»

Competence of the General Assembly for the Admission of a State to the United Nations, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1950, p. 8.

این دست‌آوردها منحصر به یک دولت خاص نخواهد بود [۱۲]. اما تجربه نشان داده است که حتی در مأموریت‌هایی که چندین فضانورد از کشورهای مختلف در آن حضور دارند، فضانوردان عملاً تنها نماینده کشور خود هستند و آنها را نمی‌توان، ورای معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، تحت ترتیبات هماهنگ و ویژه دیگری متعهد کرد [۱۳] که البته این موضوع کاملاً مطابق با مفاد ماده ۸ معاهده فضای ماورای جو به نظر می‌رسد.

علاوه بر این، تنوع فعالیت‌های انسانی در فضای ماورای جو نیز حضور فضانوردان در این عرصه را به نمایندگی کل بشریت با ابهام جدی روبه‌رو می‌کند. به عنوان نمونه، چگونه می‌توان گردشگران فضایی یا اعضای یک گروه تصویربرداری متعلق به یک شبکه خصوصی را فرستادگان بشریت نامید؟

انتظار می‌رفت که معاهده بعدی، یعنی موافقتنامه امداد و نجات، که به‌طور خاص در رابطه با فضانوردان و حقوق و تکالیف آنان تهیه و تدوین شده است، تعریف دقیق‌تری از فضانورد به‌دست دهد، ولی به‌رغم تکرار واژه «فضانورد» در عنوان و مقدمه این معاهده، در مواد آن به جای «فضانورد» از عبارت جدید «سرنشینان»^۵ فضاییما استفاده شده است.

در کنوانسیون‌های مسئولیت [۱۴] و ثبت [۱۵]، بدون ارائه تعریف خاصی از واژه فضانورد، صرفاً به موافقتنامه امداد و نجات اشاره شده است. اما در آخرین معاهده از مجموعه معاهده‌های فضای ماورای جو، یعنی موافقتنامه ماه [۱۶]، یک معیار خاص برای تعریف فضانورد دیده می‌شود. این موافقت‌نامه در بند اول از ماده ۱۰ خود مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو [...] هر شخص در ماه را با عنوان فضانورد با لحاظ معنای مندرج در ماده ۵ معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی و به عنوان بخشی از سرنشینان یک فضاییما در مفهوم مندرج در موافقت‌نامه راجع به نجات فضانوردان، بازگرداندن فضانوردان و بازگرداندن اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو، تلقی خواهند کرد.»

اما پرواضح است که این تعریف، مطابق با هدف مورد نظر در موافقتنامه ماه ارائه شده است و یک تعریف موردی است. از این رو نباید آن را تعریفی جامع و مانع در حقوق فضا در نظر گرفت، زیرا نظر به صراحتی که دارد، در مورد سرنشینان حاضر در سفینه‌ها و ایستگاه‌های فضایی جامعیت لازم را ندارد. هرچند بدون تردید و بنا بر باور عمومی که میان حقوقدانان وجود دارد این افراد نیز «فضانورد» به شمار می‌آیند [۳].

از بررسی کوتاه ترتیبات قراردادی این نتیجه حاصل می‌شود

آموزش‌های ویژه‌ای را که فضانوردان قبل از اعزام به فضا می‌بینند برای تعریف فضانورد کافی ارزیابی کنند [۵] و گاهی او را فردی بدانند که برای انجام مأموریتی به ماورای جو رفته است [۶]. شاید به همین دلیل ناگزیر باید ردپای ورود این واژه به ادبیات حقوق بین‌الملل را دنبال نماییم تا بلکه از این رهگذر به تعریف نسبتاً جامعی از این لغت دست یابیم. اهمیت شناسایی فضانوردان به عنوان افرادی که در حوزه شمول و چارچوب حمایتی موافقتنامه امداد و نجات قرار می‌گیرند از آن روست که چالش پیش روی این سند، بیش از آنکه راجع به نقصان ترتیبات ماهوی برای حفظ جان فضانوردان باشد، مربوط به نوع افرادی است که این ترتیبات حمایتی در مورد آنان قابلیت اعمال دارد [۷].

در ادامه به بررسی کوتاه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و معاهدات حقوق بین‌الملل فضا در ارتباط با بحث حاضر خواهیم پرداخت و سپس معیارهایی برای تعریف فضانورد ارائه خواهیم کرد.

بررسی ترتیبات قراردادی

واژه «فضانورد» در مقدمه و بند سوم قطعنامه ۱۸۰۲ مجمع عمومی سازمان ملل به سال ۱۹۶۲، [۸] که در آن از کمیوس خواسته شده است تا به کار خود در زمینه تهیه و تدوین اصول حاکم بر فعالیت‌های فضایی، از جمله «کمک به فضانوردان» ادامه دهد دیده می‌شود.^۵

علاوه بر آن، یک سال بعد مجمع عمومی در بند نهم قطعنامه شماره ۱۹۶۲ «اعلامیه اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو» [۹] برای اولین بار، فضانوردان را «فرستادگان بشریت در فضای ماورای جو»^۶ می‌نامد و خواستار کمک به فضانوردان و بازگرداندن آنها به دولت محل ثبت فضاییما می‌شود.

پس از آن در ماده ۵ معاهده فضای ماورای جو، که در بند اول آن با تعبیری بسیار مشابه با قطعنامه ۱۹۶۲، فضانوردان را «فرستادگان بشریت در فضای ماورای جو» می‌نامد. به نظر پاره‌ای از حقوقدانان، این عبارت دارای بار حقوقی خاصی نیست و منهای ارزش نمادین [۱۰]، نمی‌توان معنا و وزن حقوقی خاصی را بر آن بار کرد و برای مثال برای فضانوردان مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک در نظر گرفت [۱۱]. شاید بتوان دلیل این نام‌گذاری را تحقیقات علمی و کاوش‌هایی که فضانوردان در ماورای جو و بر سطح کرات آسمانی به انجام می‌رسانند، در نهایت جامعه بشری را منتفع خواهد ساخت و

۵. برای آشنایی با اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در فضای ماورای جو، ر. ک: امین‌زاده، الهام، حقوق بین‌الملل فضا: معاهده فضای ماورای جو، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

6. Envoys of Mankind in Outer Space

7. Personnel

یعنی مسئله «تحدید حدود»^۹ هوا و فضا پیوند می‌زند. به هر روی در این حالت هم دو فرض را می‌توان در نظر گرفت: دسته اول یعنی سفینه‌هایی که در مدار خاصی به دور زمین در حال حرکتند از این نظر با مشکلی روبه‌رو نیستند و سرنشینان آنها را می‌توان فضانورد به حساب آورد. اما در مورد دسته دوم یعنی سفینه‌هایی که در ارتفاع زیرمداری حرکت می‌کنند، مسئله قدری بغرنج‌تر است و این طور به نظر می‌رسد که رسیدن به پاسخی قطعی منوط به حل مسئله تحدید حدود هوا و فضا است.

گفتار دوم: تکلیف به امداد و نجات فضانوردان در فضای

ماورای جو

مفهوم «امداد» در حقوق بین‌الملل پدیده جدیدی نیست. صرف‌نظر از ملاحظات اخلاقی، کمک‌رسانی به افراد در معرض خطر در عالم حقوق بین‌الملل پیش از حقوق بین‌الملل فضا مطرح بوده است. در نزدیک‌ترین شاخه از حقوق بین‌الملل به حقوق فضا، یعنی حقوق بین‌الملل هوا نیز این مسئله، یا به عبارت بهتر دغدغه کمک به هواپیماها و سرنشینان در معرض خطر مورد اشاره و توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه، ماده ۲۵ کنوانسیون هواپیمایی بین‌المللی کشوری (موسوم به کنوانسیون شیکاگو) مقرر می‌دارد: «هر دولت متعهد تعهد می‌کند تا جایی که عملی بداند اقدامات کمکی را برای هواپیماهایی که در قلمرو آن کشور دچار تنگنا شده‌اند فراهم کند و منوط به نظارت مقامات خود، به مالکین هواپیما یا مقامات دولتی که هواپیما در قلمرو آن به ثبت رسیده است اجازه دهد که اقدامات کمکی را که اوضاع و احوال ایجاب می‌کند فراهم آورد.» [۱۹]

حتی می‌توان ادعا کرد که ترتیبات موافقت‌نامه امداد و نجات از این هم پیشروتر هستند، زیرا به طور مثال در ماده ۲ موافقت‌نامه از دولت‌ها خواسته شده است تا «تمامی اقدامات ممکن» را در کمک‌رسانی به فضانوردان حادثه‌دیده به عمل آورند، حال آنکه در ماده ۲۵ کنوانسیون شیکاگو این تعهد محدود به اقداماتی شده است که «عملی» باشد.

ماده ۱ به وظیفه اطلاع‌رسانی دول عضو اختصاص یافته است. به نظر برخی صاحب‌نظران مقررات موجود در این ماده که بدون بحث و اختلاف خاصی میان نمایندگان دولت‌های عضو به تصویب رسید، نشان‌دهنده ماهیت انسان‌دوستانه موافقت‌نامه امداد و نجات است [۲۰]. به موجب این ماده: «هر یک از دول متعاقد که مطلع شود یا دریابد که سرنشینان یک سفینه فضایی دستخوش گرفتاری شده‌اند یا با شرایط تنگنا روبه‌رو هستند یا در قلمرو تحت صلاحیت آن دولت یا دریای آزاد یا هر مکان دیگری که تحت صلاحیت هیچ یک از

که در سطح بین‌المللی توافقی بین دولت‌ها در مورد تعریف واژه فضانورد به چشم نمی‌خورد. رویه دولتی نیز در این زمینه هماهنگی و شفافیت لازم را ندارد. اما به‌عنوان نمونه می‌توان به رویکرد دولت‌های دخیل در طرح ایستگاه فضایی بین‌المللی اشاره کرد. این دولت‌ها در عین قائل شدن به تفکیک بین فضانوردان حرفه‌ای و سایر افرادی که به‌منظور فعالیت‌های تجاری، علمی و گردشگری در ایستگاه حضور دارند، تمامی آنان را خدمه پرواز در نظر گرفته‌اند تا از نظر اعمال ترتیبات موافقت‌نامه امداد و نجات در مورد آنان مشکلی به وجود نیاید [۱۷].

در پایان شایان ذکر است که در حقوق بین‌الملل فضای معاصر، علاوه بر نبود تعریف روشن و دقیق از مفهوم فضانورد، در مورد دسته‌های مختلف فضانوردان و به بیان بهتر انواع افرادی که در فضا با اهداف مختلف حضور دارند تفکیکی در نظر گرفته نشده است.

معیارهای تعریف فضانورد

هرگونه تعریف حقوقی از «فضانورد» ناگزیر از توجه به دو عامل خصوصیات حرفه‌ای و محل حضور است. در مورد عامل اول یعنی حرفه‌ای بودن فضانوردان، مسئله مهم آن است که آنان در استخدام دولت باشند، زیرا در صورت صادق بودن این وضعیت، مشکلی برای بارکردن حقوق و تکالیف در نظر گرفته شده در موافقت‌نامه امداد و نجات بر آنان متصور نخواهد بود. در این رابطه، یادآوری این نکته ضروری است که تاکنون به جز یک مورد^۸، تمامی کارکنان فضاپیماها و ایستگاه‌های فضایی یا نظامی بوده‌اند یا در صورت غیرنظامی بودن به عنوان کارمندان نهادهای دولتی فعالیت داشته‌اند. برخی کشورها در این مورد از طریق قانون‌گذاری پیش‌بینی‌های لازم را به نحو مطلوب انجام داده‌اند. در ایالات متحده در این زمینه ترتیباتی مقرر شده است، به این معنا که در این کشور تمامی افراد درگیر در یک مأموریت فضایی، حتی دانشمندانی که تا پیش از اعزام در خدمت دولت نبوده‌اند، باید پیش از فرستاده شدن به فضا به استخدام دولت فدرال درآیند [۱۸].

در رابطه با عامل دوم، یعنی محل حضور و به عبارت دیگر «ارتقاعی» که فرد در آن حاضر است و به فعالیت می‌پردازد مسئله کمی مشکل‌تر می‌نماید، زیرا تعریف فضانورد را که خود موضوعی مبهم باقی مانده است، به مهم‌ترین چالش حقوق بین‌الملل فضا

۸. خانم کریستینا مک‌آلیف (Christina McAuliffe) که در جریان انفجار سفینه چلنجر (Challenger) در سال ۱۹۸۶ جان باخت.

۹. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر. ک.: امین‌زاده، الهام، پیشین، ۱۳۹۱.

هستند، به نظر نمی‌رسد که رسمی بودن یا نبودن منبع کسب خبر موضوعیت خاصی داشته باشد یا دولت‌ها موظف باشند پیش از انتشار، اقدام به راستی‌آزمایی خبر دریافتی کنند، خصوصاً اینکه در عملیات‌های امداد و نجات عنصر زمان اهمیت خاصی دارد و هرگونه تعلل و کوتاهی ممکن است جان سرنشینان فضاپیما را در معرض خطر جدی قرار دهد. به نظر برخی نویسندگان، تعهد به اطلاع‌رسانی به دولت‌های غیرعضو موافقت‌نامه نیز قابل تسری است [۲۱].

بر اساس ماده ۲، زمانی که یکی از اعضای موافقت‌نامه آگاهی حاصل کند که سرنشینان یک سفینه فضایی بر اثر تصادف یا تنگنا در قلمرو تحت حاکمیت وی، شامل آب‌های سرزمینی بر زمین نشسته‌اند یا بر اثر اضطرار یا به صورت ناخواسته در آن جا فرود آمده‌اند، موظف است تا فوراً تمامی اقدامات «ممکن»^{۱۲} را برای نجات سرنشینان اتخاذ کند و مساعدت‌های «لازم»^{۱۳} را به آنان معمول دارد. بر اساس این ماده^{۱۴}: «چنانچه سرنشینان یک سفینه فضایی در پی بروز تصادف، گرفتاری، فرود اضطراری یا غیرارادی در قلمرو تحت صلاحیت یکی از طرف‌های متعاقد فرود آیند، دولت مزبور فوراً تمام اقدامات ممکن را برای نجات آنان اتخاذ خواهد کرد و تمام مساعدت‌های لازم را به آنان معمول خواهد داشت. وی مقام پرتاب‌کننده و نیز دبیرکل سازمان ملل متحد را از اقدامات در حال انجام و پیشرفت آنها مطلع خواهد کرد. در صورتی که یاری مقام پرتاب‌کننده در کمک به نجات سریع مؤثر باشد یا به نحو اساسی در کارایی عملیات جستجو و نجات مشارکت کند، مقام پرتاب‌کننده به منظور هدایت مؤثر عملیات جستجو و نجات با طرف متعاقد همکاری خواهد کرد. این عملیات تحت راهنمایی و نظارت طرف متعاقد، که با مقام پرتاب‌کننده در مشاوره نزدیک و مداوم خواهد بود، انجام خواهد گرفت.»

همانند ماده ۱، دولت عضو موافقت‌نامه در این مورد مکلف است تا مقام پرتاب‌کننده و دبیرکل سازمان ملل را نیز از نتیجه این اقدامات و میزان پیشرفت آنها مطلع سازد. البته در این ماده برخلاف ماده ۱ در مورد مسئولیت دبیرکل در رابطه با انتشار اطلاعات دریافتی سخنی به میان نیامده است.

دولت‌ها نباشد مبادرت به فرود اضطراری یا غیرارادی کرده‌اند بی‌درنگ:

الف) به مقام پرتاب‌کننده اطلاع خواهد داد، یا چنانچه نتواند مقام پرتاب‌کننده را تشخیص دهد و فوراً با وی ارتباط برقرار کند، بلافاصله با استفاده از تمام وسایل ارتباطی مقتضی که در اختیار دارد به پخش همگانی این خبر مبادرت خواهد کرد.

ب) به دبیرکل سازمان ملل متحد اطلاع خواهد داد و او باید اطلاعات را بدون تأخیر و با استفاده از تمام وسائل ارتباطی مقتضی که در اختیار دارد منتشر کند.»

برابر با ترتیبات مندرج در ماده ۱، دولت‌های عضو موافقت‌نامه باید در رویایی با تصادف، تنگنا^{۱۵} یا فرود اضطراری یا ناخواسته^{۱۶} یک سفینه فضایی فوراً «مقام پرتاب‌کننده» را از این امر مطلع سازند یا چنانچه شناسایی مقام مذکور و برقراری ارتباط فوری با او میسر نشود، با استفاده از کلیه وسائل ارتباطی مقتضی که در اختیار دارند سریعاً به پخش این خبر مبادرت کنند. علاوه بر این، اعضا مسئله را در اسرع وقت به دبیرکل سازمان ملل اطلاع خواهند داد و وی نیز این خبر را بدون فوت وقت و با استفاده از کلیه وسائل ارتباطی که در اختیار دارد، منتشر می‌کند. در خصوص مفهوم حادثه، تنگنا و اضطرار شاید نیاز به توضیح خاصی نباشد، اما به‌طورکلی هر فرود یا سانحه‌ای را که معلول نقص یا عیب موجود در فضاپیما باشد، بر اثر تصادم میان سفینه فضایی و یک شیء دیگر رخ دهد، یا به دلیل بروز ناتوانی جسمی در فضانورد اتفاق افتد می‌توان در حیطه شمول این الفاظ قرار داد. بهترین مثال برای فرود ناخواسته نیز فرودهایی است که بر اثر اشتباه ناوبری به وقوع پیوندند، حال چه این اشتباه از سوی خود فضانورد باشد یا بر اثر خطای ایستگاه کنترل زمین رخ دهد. به‌طورکلی، با عنایت به اهداف انسان‌دوستانه موافقت‌نامه امداد و نجات، هر فرودی را که در مکانی غیر از محل برنامه‌ریزی شده از پیش انجام شود و بر اثر رخدادهایی باشد که سرنشینان سفینه فضایی انتظار آن را ندارند می‌توان ناخواسته در نظر گرفت.

باید توجه داشت که این ماده وظیفه اطلاع‌رسانی در ارتباط با حادثه یا فرود را تنها به موارد بروز این اتفاقات در سطح کره زمین محدود نکرده است و دول عضو موظفند حتی در صورت وقوع حادثه در فضای ماورای جو یا سطح اجرام آسمانی، به شکل و ترتیبی که اشاره شد اقدام به اطلاع‌رسانی کنند.

به نظر می‌رسد که تکلیف به اطلاع‌رسانی، تکلیفی مقدم همزمان با وظیفه دولت‌ها در کمک به فضانوردان در قالب مواد ۲ و ۳ موافقت‌نامه باشد [۲۰]. با توجه به سکوت ماده در خصوص نحوه دستیابی به اطلاعاتی که دولت‌های عضو موظف به انتشار آنها

10. Distress

11. Unintended Landing

12. Possible

13. Necessary

۱۴. با توجه به عبارت‌پردازی ماده به‌نظر می‌رسد که ترتیبات آن شامل وضعیت‌های تصادف یا سانحه که بر اثر فرود برنامه‌ریزی شده و از پیش مقرر شده به وقوع می‌پیوندد، نمی‌شود. نکته دیگر اینکه، از آنجا که موافقت‌نامه در مورد اینکه عبارات «ممکن» و «لازم» به کار رفته در ماده ۲ باید چگونه تفسیر کرد و به بیان بهتر «تمام اقدامات ممکن» و «تمام مساعدت‌های لازم» را تا چه میزان می‌توان موسع یا مضیق تفسیر کرد ساکت است، بعید به نظر نمی‌رسد که بین دولت موضوع تعهد و دولت مسئول پرتاب اختلاف رخ دهد. در این حالت به نظر می‌رسد در صورت عدم توافق مرضی‌الطرفین، تصمیم نهایی با دولت موضوع تعهد باشد.

موظفند «تمام اقدامات ممکن» را به انجام برسانند، زیرا فرض ماده ۲ بر این قرار گرفته است که فرود یا حضور اضطراری سرنشینان سفینه فضایی در ناحیه‌ای تحت کنترل و صلاحیت یکی از دولت‌های عضو به وقوع می‌پیوندد. بنابراین به عنوان نمونه دولت‌های عضو موظف نیستند تا برای انجام عملیات نجات در دریای آزاد، کشتی‌های خود را از انجام سایر مأموریت‌های ضروری منع کنند یا تمامی توان پشتیبانی خود را معطوف به نجات افراد در خطر کنند [۲۰].

نظر به فقدان عنصر حاکمیت و همین طور محل انجام عملیات در ماده ۳، برخلاف ماده ۲ تفکیکی میان مسئولیت اولیه و ثانویه دولت‌ها نیز به چشم نمی‌خورد. اما درست به مانند دو ماده قبلی، تعهد دولت‌ها مبنی بر اطلاع‌رسانی به مقام پرتاب‌کننده و دبیرکل سازمان ملل به قوت خود باقی است. به نظر می‌رسد که ترتیبات ماده ۳ موافقت‌نامه محدود به عملیاتی است که در آن پس از فرود یک فضاپیما برای سرنشینان آن حادثه یا تنگنایی رخ می‌دهد و نظر به صراحت موجود در ماده مبنی بر «فرود آمدن»، نمی‌توان ترتیبات و الزامات آن را به فضاوردان گرفتار در حین انجام مأموریت در فضای ماورای جو یا مدار زمین تعمیم داد.

گفتار سوم: تعهد به بازگرداندن فضاوردان سانحه دیده در

روی زمین در حقوق بین‌الملل فضا
ماده ۴ موافقت‌نامه امداد و نجات مربوط به تعهدات دولت‌های عضو پس از انجام موفقیت‌آمیز عملیات جستجو و نجات است: «چنانچه سرنشینان یک سفینه فضایی در پی بروز تصادف، گرفتاری، فرود اضطراری یا غیرارادی در قلمرو تحت صلاحیت یک طرف متعاقد فرود آیند یا آنکه در دریای آزاد یا هر مکان دیگری که تحت صلاحیت هیچ دولتی نیست یافت شوند، سریعاً و با ایمنی کامل به نمایندگان مقام پرتاب‌کننده تسلیم خواهند شد.»

بر بنیان این ماده، دولت‌های عضو موافقت‌نامه موظفند تا سرنشینان را بدون قید و شرط و «با ایمنی کامل به نمایندگان مقام پرتاب‌کننده» تسلیم کنند.^{۱۸} البته با عنایت به مشروط بودن فرود و به زمین نشستن سرنشینان در مواد ۱، ۲ و ۳ موافقت‌نامه به شرایط اضطراری، تصادم یا ناخواسته بودن، این طور به نظر می‌رسد،

به نظر می‌رسد که ماده ۲ غیر از تعهد به اتخاذ اقدامات ممکن و ارائه مساعدت‌های لازم و نیز لزوم اطلاع‌رسانی، وظیفه دیگری را بر دولت موضوع تعهد محول نکرده است. به عنوان مثال، در جریان انجام عملیات جستجو و نجات، دولت مسئول پرتاب که ابتعاش در خاک دولت موضوع تعهد فرود اضطراری داشته‌اند، حق مداخله در فرایند نجات را نخواهد داشت و تنها مجاز به همکاری با دولت اخیر است، آن هم به شرطی که حضور و همکاری وی «کمک مؤثری» به «نجات فوری» یا «عملیات جستجو و نجات» بنماید. اما ماده ۲ مسئله تشخیص «مؤثر» بودن یا نبودن کمک را بدون پاسخ گذارده است.

ماده ۳ موافقت‌نامه امداد و نجات از نظر لغوی تا حدودی با ماده پیشین خود متفاوت است. در این ماده آمده است: «اگر اطلاعاتی دریافت شود یا معلوم شود که سرنشینان یک سفینه فضایی در دریای آزاد یا هر مکان دیگری که تحت صلاحیت هیچ دولتی نیست فرود آمده‌اند، آن دسته از طرف‌های متعاقدی که برایشان مقدور باشد، در صورت لزوم برای تضمین نجات سریع آن سرنشینان در عملیات جستجو و نجات مساعدت خواهند کرد. طرف‌های مزبور مقام پرتاب‌کننده و دبیرکل سازمان ملل متحد را از اقدامات در حال انجام و پیشرفت‌های به دست‌آمده مطلع خواهند کرد.»

همان گونه که مشاهده می‌شود، در این ماده از اضطرار، تنگنا یا تصادف سخنی به میان نیامده است و فقط از «فرود»^{۱۵} سرنشینان یک سفینه فضایی در دریای آزاد یا مناطق ورای حاکمیت ملی طرف‌های عضو (مانند قاره جنوبگان) یاد شده است، اما این باور در میان حقوق‌دانان وجود دارد که مفهوم مخالف عبارت «در صورت لزوم» به کاررفته در ماده را می‌توان اینگونه تعبیر کرد، در صورتی که فرود مطابق برنامه‌ریزی‌های انجام شده از قبل در نقاطی ورای مناطق تحت صلاحیت دولت‌ها انجام شود و تصادف یا تنگنایی در میان نباشد، نیازی به درگیر شدن دولت‌های دیگر عضو موافقت‌نامه وجود ندارد [۲۰]. در غیر این شرایط، طرف‌های متعاقد تنها در حالی که «برایشان مقدور باشد»^{۱۶} و «در صورت لزوم»^{۱۷} به منظور نجات سریع سرنشینان در عملیات جستجو و نجات مساعدت خواهند کرد.

عبارت «برایشان مقدور باشد» را می‌توان واجد دو جنبه فنی و جغرافیایی دانست. به طور مثال، ممکن است برای تعدادی از دولت‌های عضو امکان کمک‌رسانی به دلیل محدودیت‌های جغرافیایی یا دور بودن از محل فرود یا کمبود تجهیزات لازم در نقطه مقرر ممکن نباشد. این در حالی است که در ماده ۲ طرفین موافقت‌نامه

۱۸. به نظر می‌رسد تعهد دولت‌ها به تحویل نجات‌یافتگان به نماینده مقام پرتاب‌کننده و نه بازگرداندن آنها به دولت اخیر که به پیشنهاد دولت فرانسه در متن گنجانیده شد، می‌تواند برای جلوگیری از تحمیل هزینه‌های بیشتر به دولت موضوع تعهد باشد. خصوصاً اینکه همان‌طور که پیشتر اشاره کردیم، برخلاف مقررات مندرج در موافقت‌نامه در خصوص هزینه‌های مربوط به بازگرداندن اشیاء فضایی، در مورد هزینه‌های مربوط به نجات و بازگرداندن سرنشینان سفاین فضایی ترتیباتی پیش‌بینی نشده است. لازم به یادآوری است که در معاهده فضای ماورای جو دولت‌های موضوع تعهد موظف بودند فضاوردان را به دولت ثبت‌کننده فضاپیماشان بازگردانند.

15. Alighted

16. in a position to do so

17. if necessary

در خصوص سؤال اول، یعنی امکان تسری ترتیبات موافقتنامه امداد و نجات به پرتاب‌های تجاری، بر اساس کنوانسیون وین، باید به معنای معمول مستفاد از متن موافقتنامه بپردازیم. بررسی متن کاشف از آن است که هیچ چیز در این سند، صراحتاً پرتاب‌های تجاری را از دامنه شمول آن مستثنی نمی‌سازد و آن را به پرتاب‌های دولتی محدود نمی‌کند [۲۶]. نکته بسیار مهمی که این نظر را تأیید می‌کند و در ماده ۳۱ کنوانسیون وین نیز به آن اشاره شده است، بررسی رویه دولتی در این زمینه است. هر چند تاکنون مجالی برای آزمودن مقررات موافقتنامه امداد و نجات از حیث نجات فضانوردان وجود نداشته است، رویه در خصوص بازگرداندن اشیای فضایی غنی‌تر به نظر می‌رسد و در موارد متعددی دولت‌ها اشیای فضایی پیدا شده در قلمرو خود را، وفق ترتیبات موافقتنامه به نماینده مقام پرتاب‌کننده تحویل داده‌اند و دبیرکل سازمان ملل را نیز مطلع ساخته‌اند. دو مورد از این اشیاء بازگردانده شده متعلق به نهادهای غیردولتی بوده است، اما عملکرد دولت‌ها در بازگرداندن آنها، با موارد مشابه در مورد اشیای فضایی متعلق به دولت‌ها یکسان بوده است [۲۷]. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «رویه مؤخر»^{۲۰} دولت‌ها به امکان گسترش مقررات موجود در موافقتنامه امداد و نجات به پرتاب‌های خصوصی در زمینه بازگرداندن اشیای فضایی پاسخ مثبت می‌دهد.

حال نوبت به پاسخگویی به دومین سؤال، یعنی بررسی امکان تعمیم مفهوم فضانورد به گردشگران فضایی می‌رسد. گفتیم که در معاهده فضای ماورای جو از فضانوردان تحت عنوان «فرستادگان بشریت» یاد شده است، بعید به نظر می‌رسد که با توجه به هدف و غایت یک گردشگر در فضای ماورای جو، وی را بتوان ذیل این عنوان طبقه‌بندی کرد، زیرا به هر حال هدف تدوین‌کنندگان از شناسایی فضانوردان تحت این عنوان، تحقیقات و مطالعاتی است که فضانوردان حرفه‌ای انجام می‌دهند و در نهایت تمامی بشریت را منتفع خواهند کرد. اما شاید بتوان عبارت کلی‌تر در نظر گرفته شده در موافقتنامه امداد و نجات یعنی «سرنشینان فضاپیما» را در برگیرنده گردشگران فضایی دانست و ترتیبات در نظر گرفته شده در این سند در مورد سرنشینان را شامل حال آنان نیز کرد [۲۸]، زیرا در غیر این صورت و قائل بودن به تفسیری مضیق، مقررات مندرج در موافقتنامه تنها شامل خدمه فضاپیمای حامل گردشگران خواهد شد و این تحلیل با توجه به اهداف انسان‌دوستانه موافقتنامه امداد و نجات بعید به نظر می‌رسد. البته به نظر برخی از حقوقدانان گردشگران فضایی را نمی‌توان در زمره سرنشینان فضاپیما به شمار

در صورتی که دولت نجات‌دهنده تشخیص دهد که حضور سرنشینان در محدوده سرزمینی‌اش تعدی است یا به هر شکل سوء نیتی در فرود در قلمرو آن دولت قابل احراز است، می‌تواند فضانوردان را برای بررسی بیشتر مسئله در خاک خود نگه دارد [۲۰].

گفتار چهارم: بررسی امکان تسری ترتیبات موافقتنامه به گردشگران فضایی

بر طبق تعریف موجود در آموزه‌های حقوقی، گردشگری فضایی عبارت است از «هر نوع فعالیت تجاری که هدف از آن ارائه امکان مسافرت در فضای ماورای جو به مشتریان است» [۲۲] و گردشگر فضایی نیز «فردی است که برای سیاحت یا تفریح به سفر یا بازدید از فضای ماورای جو یا اجرام آسمانی می‌پردازد» [۲۳] اما بررسی معاهدات چندجانبه موجود در حقوق فضا، اعلامیه‌های اصولی مجمع عمومی سازمان ملل و قطعنامه‌های آن، نشان می‌دهد، به‌رغم این که این اسناد را می‌توان فراهم‌کننده چارچوب‌های اصلی و اصول اساسی حاکم بر فعالیت‌های فضایی دانست، نظر به زمان تهیه و تدوین آنها، هیچ یک موضوع گردشگر و گردشگری فضایی را مورد توجه قرار نداده‌اند و در این مورد حاوی ترتیبات خاصی نیستند [۲۴]. شاید در آن زمان هیچ کس حتی تصور نمی‌کرد که استفاده تجاری از فضای ماورای جو با این سرعت باورنکردنی رونق گیرد. به طور خلاصه می‌توان گفت که سؤال مهم آن است که آیا شرکت‌های دخیل در فعالیت‌های تجاری و به طور خاص گردشگری فضایی می‌توانند در صورت بروز حادثه، با استناد به قوانین و مقررات موجود، انتظار دریافت کمک دولت‌ها را داشته باشند و آیا در این زمینه هنجارهای حقوقی روشن و شفافی وجود دارد یا خیر؟

به نظر می‌رسد که پاسخ به سؤال مطرح شده در گرو یافتن جواب دو سؤال دیگر است: نخست اینکه آیا تعهد به بازگرداندن اشیای فضایی که توسط نهادهای غیردولتی به فضا پرتاب می‌شوند وجود دارد یا خیر و دیگر آنکه آیا می‌توان گردشگران فضایی را در زمره «فضانوردان» محسوب کرد؟ به نظر می‌رسد برای پاسخ به این دو سؤال ناگزیر از تفسیر موافقتنامه امداد و نجات هستیم. بدون تردید ترتیبات موجود در مواد ۳۱ تا ۳۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات [۲۵] برای تعیین گستره معنایی عبارات و واژگان موجود در موافقتنامه امداد و نجات راهگشا خواهند بود.^{۱۹}

۱۹. ممکن است ایراد شود که برابر با ترتیبات ماده ۴ کنوانسیون وین، این سند در خصوص معاهدات لازم‌الاجرا پیش از تصویب آن، یعنی سال ۱۹۶۹ قابل اعمال نیست و در این صورت موافقتنامه امداد و نجات را نمی‌توان بر مبنای آن تفسیر و تحلیل کرد. خوشبختانه دیوان بین‌المللی دادگستری مجال اظهار نظر در این باره را یافته است. دیوان در این زمینه بر این باور است که کنوانسیون وین به دلیل انعکاس حقوق عرفی در این زمینه، بر تمامی معاهدات بین‌المللی فارغ از تاریخ انعقاد قابل اعمال است، ر. ک.: Gardiner, Richard, *Treaty Interpretation*, Oxford University Press, 2008, p. 14; Legal Consequences of the Construction of a Wall in

حضور می‌یابد فارغ از خصوصیات حرفه‌ای و انگیزه حضور در برنامه پرتاب، مشمول این اصل قرار دهند. چنین گرایشی در آموزه‌های حقوقی نیز کاملاً محسوس است. به عنوان نمونه، می‌توان به نظر بسیار موسع مانفرد لاکس، قاضی اسبق دیوان بین‌المللی دادگستری در این زمینه اشاره کرد که بر این باور است که حداقل تا زمانی که حضور مسافران در مسافرت‌های فضایی به صورت یک امر روزمره در نیامده است، تمامی حاضران در یک سفینه فضایی را فارغ از وظیفه‌ای که بر عهده دارند باید فضاورد به حساب آورد [۳۰].

نتیجه‌گیری

پس از گردش اولین فضاورد شوروی^{۲۲} در مدار زمین این باور همگانی به وجود آمد که در دهه‌های آینده میزان سفرهای بشر به فضای ماورای جو به شکل روزافزونی افزایش خواهد یافت و فرود انسان بر کرات آسمانی به ویژه کره ماه نیز دور از دسترس نیست. افزایش تعداد مأموریت‌ها خواه ناخواه به معنای بیشتر شدن تعداد فضاوردان، افزایش ساعات تمرین و در نهایت فزونی احتمال حادثه است، حال چه این حوادث بر اثر سانحه در هنگام فرود بر سطح زمین رخ دهد و چه در مدار یا بر سطح کرات و اجرام آسمانی باشد. علاوه بر این، حوادث ناگواری نیز به نگرانی دولت‌ها در این زمینه دامن زد. فعالیت‌های فضایی ایالات متحده و شوروی در سال ۱۹۶۷ موجب قربانی شدن چند تن از فضاوردان آن کشورها شد. سه فضاورد آمریکایی حین تمرین در پوشینه سفینه آپولو ۱ بر اثر حریق جان باختند و یک فضاورد روس نیز به علت نقص فنی سفینه در هنگام بازگشت به زمین کشته شد.

بنابراین اهمیت موافقت‌نامه امداد و نجات پاسخگویی به نیاز فوری کشورهای توانمند فضایی وقت به حصول تفاهمی در مورد چگونگی برخورد با بروز شرایط اضطراری برای فضاوردان در زمین و فضا است. اهمیت این نیاز هنگامی آشکارتر می‌شود که به یاد داشته باشیم در آغاز عصر فضا، فن‌آوری‌های مکان‌یابی، ناوبری و ردیابی هنوز به پیشرفت امروزی نرسیده بودند و در فضای آکنده از سوء ظن جنگ سرد این نگرانی نسبت به سرنوشت فضاوردانی که به هر دلیلی و بر اثر اشتباه یا حادثه ناگزیر از فرود در محلی واقع در قلمرو رقیب شوند، همیشگی بود.

به این ترتیب انعقاد موافقت‌نامه امداد و نجات پاسخ به یک ضرورت جدی در صحنه بین‌المللی بود. به نظر می‌رسد که توسعه فعالیت‌های خصوصی و تجاری در عرصه‌ی بیکران فضا و رونق گردش‌گری فضایی یک‌بار دیگر ضرورت اصلاح و بازنگری در مقررات موجود در این سند را مطرح کرده است. دیدیم که

آورد. پیشنهاد این گروه از صاحب‌نظران، اصلاح موافقت‌نامه برابر با ترتیبات ماده ۸ است، به نحوی که مقررات آن گردشگران فضایی را نیز در برگیرد [۲۹]. البته تردیدی نیست که اگر گردشگران را جزء سرنشینان یک سفینه فضایی به شمار آوریم، آنگاه برابر با قوانین، آنان در کنار برخورداری از ترتیبات حمایتی در نظر گرفته شده برای فضاوردان، فارغ از اینکه تبعه چه کشوری باشند تحت صلاحیت دولت ثبت‌کننده قرار خواهند گرفت [۲۹].

تردیدی نیست که حقوق بین‌الملل فضا در زمینه گردشگری فضایی نیازمند شفافیت بیشتری است و با توجه به اینکه امروزه افراد بیشتری با شرح وظایف مختلف و حتی غیررسمی در فضاپیماها و ایستگاه‌های فضایی حضور می‌یابند، وضعیت هر دسته از آنان باید به صورت جداگانه مورد توجه قرار گیرد و در مورد هر یک به تفکیک، قواعدی مقرر شود.

به عنوان نمونه، اوایل سال ۲۰۰۲، آژانس‌های فضایی دولت‌های درگیر در طرح ایستگاه فضایی بین‌المللی، در مورد افرادی که مجاز به حضور بر عرشه ایستگاه فضایی هستند به توافق رسیدند. بر اساس این توافق، کلیه اشخاص حاضر در ایستگاه را می‌توان به دو دسته فضاوردان حرفه‌ای و «شرکت‌کنندگان در سفر فضایی» تقسیم کرد که دسته اخیر شامل مهندسان، دانشمندان، خبرنگاران و گردشگران است. هرچند در این توافق اشاره‌ای به الزام افراد حاضر در این دسته به امضای دستورالعمل تهیه شده بر اساس ماده ۱۱ یادداشت تفاهم منضم به موافقت‌نامه ایستگاه فضایی نشده است اما به هر حال همین شناسایی را می‌توان نخستین گام در مسیر تعیین وضعیت سیاحان فضایی به طور دقیق‌تر به شمار آورد.

در مقام جمع‌بندی از مباحث مطرح در این گفتار باید عنوان کرد که بسط دامنه افرادی که به دلایل مختلف به فضا می‌روند تردیدهایی را نسبت به تعریف فضاورد ایجاد کرده است. اما به هر حال می‌توان این طور ادعا کرد که در موافقت‌نامه امداد و نجات که ترتیبات آن را می‌توان به عنوان «قانون خاص»^{۲۱} در این زمینه از حقوق فضا به شمار آورد، از واژه «فضاورد» به دلیل دلالت معنایی مضیق آن استفاده نشده است و به جای آن لفظ عام‌تر «سرنشینان» یک سفینه فضایی به کاررفته است که می‌تواند در برگیرنده افراد دخیل در هدایت سفینه فضایی و همین طور سایر افراد حاضر در جریان مأموریت مانند دانشمندان و همراهان آنان باشد. از این روی می‌توان نتیجه گرفت که تعمدی در نیت مذاکره‌کنندگان وجود داشته است تا تمامی افراد حاضر در پرتاب‌های فضایی و حتی گردشگران عادی فضایی را از امتیاز امداد و نجات کشورهای عضو محروم نسازند و بدین ترتیب هر کسی را که در پرتاب‌های فضایی

- [10] Hobe, S., "Space Tourism as a Challenge to the Astronauts Concept," Lafferranderie, Gabriel and Marchisio, Sergio (eds.) *The Astronauts and the Rescue Agreement: Lessons Learned*, The European Centre for Space Law, 2011, p. 74.
- [11] Jakhu, R., and Battacharya, R., "Legal Aspects of Space Tourism," *Proceedings of the 45th Colloquium on the Law of Outer Space*, American Institute of Aeronautics and Astronautics, 2002, pp. 112-31.
- [12] Sachdeva, G.S., "Astronauts: Envoys of Mankind: An Analysis of Legal Basis," Mani, V.S., Bhatt, S., and Balkista Reddy, V., (eds.) *Recent Trends in International Space Law and Policy*, Lancers Books, New Delhi, 1997, p. 212.
- [13] Vereshchetin, V. S., "Legal Status of International Space Crews," *Annals of Air and Space Law*, Vol. 3, No. 2, 1978, p. 545.
- [14] Convention on the International Liability for Damage Caused by Space Objects, Signed on March 29, 1972, Entered into Force on September 21, 1972 (961 UNTS 187).
- [15] Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space, signed on January 14, 1975, Entered into Force on September 15, 1976 (1023 UNTS 15)
- [16] Agreement Governing the Activities of States on the Moon and Other Celestial Bodies, Signed on December 18, 1979, Entered into Force on July 11, 1984 (1363 UNTS 3).
- [17] Multilateral Crew Operations Panel (MCOP), "Principles Regarding Processes and Criteria for Selection, Assignment, Training and Certification of ISS (Expedition and Visiting) Crewmembers," November 2001, p. 4.
- [18] Beckman, J. A., "Citizens Without a Forum: The Lack of an Appropriate and Consistent Remedy for United States Citizens Injured or Killed as a Result of Activity Above the Terrestrial Air Space," *Boston College International and Comparative Law Review*, Vol. 22, No.1, 1999, pp. 249-78.
- [19] Convention on International Civil Aviation, Signed on December 7, 1944, Entered into Force on April 4, 1947 (15 UNTS 295).
- [20] Dembling, P. G. and Arons, D. M., "The Treaty on Rescue and Return of Astronauts and Space Objects," *William and Mary Law Review*, Vol. 9, 1968.
- [21] Reijnen, G. C. M., *The United Nations Space Treaties Analysed*, Editions Frontières, 1992, p. 158.
- [22] Hobe, S. and Cloppenburg, J., "Towards a New Aerospace Convention - Selected Legal Issues of Space Tourism," *Proceedings of the 47th Colloquium on the Law of Outer Space*, American Institute of Aeronautics and Astronautics, 2004, p. 377
- [23] O'Brien, Z. N., "Liability for Injury, Loss or Damage to the Space Tourist," *Proceedings of the 47th Colloquium on the Law of Outer Space*, American Institute of Aeronautics and Astronautics, 2004, p. 386.
- [24] Stotler, C. W., "International and US National Laws Affecting Commercial Space Tourism," *Journal of Space Law*, Vol. 33, No. 1, 2007, p. 251

موافقتنامه امداد و نجات میان وظایف دولت‌های عضو در فضای ماورای جو و زمین قائل به تفکیک است. دولت‌ها در فضا تنها مکلف به اطلاع‌رسانی در خصوص سرنشینان در معرض خطر هستند اما بر روی زمین این تفکیک به صورت الزام به نجات و بازگرداندن فضانوردان تجلی یافته است. اما این نظام دو سطحی در رابطه با حضور تجاری انسان در فضا با کاستی‌هایی روبه‌رو است. به طور حتم همان‌گونه که عرصه فناوری، مشکلات حضور انسان در فضا را یک به یک پشت سر می‌گذارد و روز به روز سیاحت فضایی به واقعیت نزدیک می‌شود، عرصه حقوق نیز باید همگام و همراه با آن، در جهت حل مشکلات و چالش‌هایی که به‌طور حتم در پیش روی خواهد بود چاره‌اندیشی کند. این رویکرد برگردان اندیشه‌ای است که از ذهن برخی از صاحب‌نظران گذشته است: حقوق باید به همراه علم باشد و نه به دنبال آن.

مراجع

- [1] Jarvis, R. M., "The Space Shuttle Challenger and the Future Law of Outer Space Rescues," *International Lawyers*, Vol. 20, 1986, p. 604.
- [2] O' Toole, "Spacewalkers Send Repaired Navy Satellite Spinning on Its Way", Washington Post, September 2, 1985 and Cummings, "Space Shuttle Lands Safely After 'Near Perfect' Mission," *New York Times*, September 4, 1985.
- [3] Lyall, F. and Larsen, P. B., *Space Law*, A Treatise, Ashgate Publishing Limited, 2009.
- [4] Hara, R., "Legal Status of Astronauts and Other Personnel on the Moon," *Proceedings of the 26th Colloquium on the Law of Outer Space*, American Institute of Aeronautics and Astronautics, 1983, p. 165.
- [5] Kamenetskaya, E., "Cosmonaut" ("Astronaut"): An Attempt of International Legal Definition," *Proceedings of the 31st Colloquium on the Law of Outer Space*, American Institute of Aeronautics and Astronautics, 1988, p. 177.
- [6] DeSaussure, H., "Astronauts and Seamen: A Legal Comparison", *Journal of Space Law*, Vol. 10, No. 2, 1982, p. 165.
- [7] Jason Steptoe, E., "Astronauts and Return in an Era of Planetary Exploration: "Envoys of Mankind," "Space Flight Participants" and Celestial Settlers," in: Lafferranderie, Gabriel and Marchisio, Sergio (eds.) *The Astronauts and the Rescue Agreement: Lessons Learned*, The European Centre for Space Law, 2011, p. 202.
- [8] UNGA Res. 1802 (XVII), International Co-operation in the Peaceful Uses of Outer Space, December 19, 1962.
- [9] UNGA Res. 1962 (XVIII) (), The Declaration of Legal Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, December 13, 1963.

- [28] Freeland, S., "The Emergence of Space Tourism and Its Impact on the International Law of Outer Space," *Chicago Journal of International Law*, Vol. 6, No. 3, 2005, p. 10.
- [29] Yun, Z., "A Legal Regime for Space Tourism: Creating Legal Certainty in Outer Space," *Journal of Air Law and Commerce*, Vol. 74, No. 1, 2009
- [30] Lachs, Manfred, *The Law of Outer Space*, Sijthoff Publishers, 1972, p. 71.
- [25] Vienna Convention of the Law of Treaties, Signed on May 23, 1969, Entered into Force January 27, 1980 (1155UNTS 331).
- [26] Sundahl, M., "The Duty to Rescue Space Tourists and Return Private Spacecraft," Research Paper No. 09-167, Cleveland State University, College of Law, March 2009, p. 19.
- [27] U.N. Doc A/AC.105/825, U.N. Doc A/AC.105/740